

عوامل و پیامدهای اقدام رژیم آل خلیفه در لغو تابعیت آیتا... عیسی قاسم

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۴۹۰۴
تیرماه ۱۳۹۵

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	۱. عوامل تأثیرگذار بر تصمیم رژیم آل خلیفه در لغو تابعیت آیتا. عیسی قاسم
۷.....	۲. پیامدهای ناشی از اقدام رژیم آل خلیفه
۱۲.....	نتیجه‌گیری



عوامل و پیامدهای اقدام رژیم آل خلیفه در لغو تابعیت آیت‌ا... عیسی قاسم

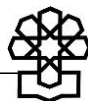
چکیده

رژیم بحرین در ادامه سیاست سرکوب مخالفان به‌ویژه مخالفان شیعی و رهبران مذهبی آنها در اقدامی ضدبشری دست به لغو تابعیت آیت‌ا... عیسی قاسم روحانی مبارز شیعه زد. رژیم آل خلیفه قبل از این نیز تابعیت شماری از شهروندان شیعه مخالفش را لغو کرده بود. این اقدام قبل از هر چیز تحت تأثیر درک نادرست این رژیم از الزامات ناظر بر بقای سیاسی متزلزل خود و تلاش بی‌نتیجه آن برای مهار و کنترل آموزه‌های مقاومت در جامعه بحرین است که در عین حال به تبعیت از سیاست‌های ضدشیعی و ضدایرانی عربستان سعودی صورت پذیرفته است. این درحالی است که بررسی و واکاوی پیامدهای این اقدام ناقض غرض اصلی آل خلیفه می‌باشد. به این معنا که سیاست اخیر این کشور به تشدید بحران مشروعیت سیاسی و تزلزل بیشتر پایه‌های قدرت سیاسی در این کشور، به فعال‌سازی و تشدید بی‌ثباتی‌های رژیم سیاسی، تضعیف موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی بحرین، تشدید شکاف‌های فرقه‌ای در داخل بحرین و در سطح منطقه و در نهایت به تشدید و تعمیق گسست‌های منطقه‌ای منجر می‌شود. پیامدها و نتایجی که هیچ‌یک تأمین‌کننده منافع مردم بحرین نبوده، بلکه براساس یک محاسبه ساده سود و زیان مطابق منطق متعارف تناسب و بیشینه‌جویی، منافع حیاتی مردم این کشور و حتی خود این رژیم را به مخاطره می‌افکند.

مقدمه

رژیم بحرین در ادامه سیاست‌های سرکوبگرانه سنتی خود در اقدامی غیرمتعارف و غیرانسانی دست به لغو تابعیت یکی از رهبران روحانی برجسته این کشور زد و بدین ترتیب بار دیگر خود و سیاست‌هایش را در معرض قضاوت جهانیان قرار داد. از زمان اعلام این تصمیم واکنش‌های جهانی و منطقه‌ای متعدد و متنوعی ابراز شده است. آنچه واضح است آنکه هیئت حاکمه آل خلیفه تحت فشار افکار عمومی قرار گرفته و می‌باید جهت حفظ بقا و تداوم موجودیت خود به دنبال راهی برای توجیه یا متقاعدسازی باشد که بی‌شک کاری بس دشوار و شاید غیرممکن باشد. شایان ذکر است که بحرین در کنار عراق و ایران تنها کشورهای منطقه خلیج فارس هستند که اکثر جمعیت آنها را شیعیان تشکیل می‌دهند.

از زمان وقوع تحولات سیاسی در برخی کشورهای دیکتاتوری عربی موسوم به بیداری اسلامی، خواب هیئت‌های حاکمه این کشورها آشفته گشته و با دقت و سختگیری تمام تحولات و تحرکات داخلی خود را رصد می‌کنند. آنها برای حفظ پایه‌های متزلزل حاکمیت خود از هیچ‌گونه سیاست متصلبانه و سرکوبگرانه دریغ نمی‌ورزند. آنها که تجربه سقوط رژیم‌های غیرمردمی در مصر، تونس و لیبی را شاهد بوده‌اند، به‌جای گرفتن درس عبرت و تغییر ساختارها و سیاست‌های غیر مردم‌سالار و ضد مردم‌سالار با شدت و حدت بیشتری به ادامه همان رویه‌های پیشین پرداخته‌اند. دولت بحرین نیز براساس همین رویکرد، و در ادامه سیاست سرکوبگرانه‌ای که در قیام ۲۰۱۱ مردم بحرین در پیش گرفته بود، در اقدامی غیرانسانی تابعیت آیت‌ا... عیسی قاسم روحانی مبارز این کشور را لغو کرد. اقدامی که می‌تواند همانند یک کاتالیزور در تشدید و تسریع ناآرامی‌ها و آغاز فصلی جدید در قیام‌های



مردمی در این کشور مؤثر واقع شود. بر همین اساس، نوشتار پیش‌رو به بررسی عواملی که به این اقدام ازسوی آل خلیفه منجر شده می‌پردازد و سپس پیامدهای مختلف آن را در سطوح داخلی و منطقه‌ای مورد واکاوی قرار می‌دهد.

۱. عوامل تأثیرگذار بر تصمیم رژیم آل خلیفه در لغو تابعیت آیت‌ا... عیسی قاسم

۱-۱. تشدید وخامت اوضاع متزلزل رژیم آل خلیفه

نظام سیاسی بحرین که برپایه استبداد اقلیت انحصارطلب بر اکثریت مردم این کشور شکل گرفته است، همواره متضمن درجاتی از شکنندگی و تزلزل بوده و از این‌رو حفظ این پایه‌های لرزان دغدغه اصلی هیئت حاکمه آل خلیفه بوده است. تحولات موسوم به بیداری اسلامی که از سال ۲۰۱۰ در تونس شروع شد و سپس دامنه آن به سایر کشورهای عربی مانند مصر و لیبی نیز کشیده شد، بحرین را نیز تحت تأثیر قرار داد و مردم این کشور را در سال ۲۰۱۱ به تحرک و بسیج سیاسی - اجتماعی واداشت. از این زمان به بعد که آل خلیفه به‌طور واضح و روشن شالوده‌های ضعیف حکومت خود را ضعیف شده‌تر یافت، نسبت به هرگونه خواسته و تحرک اجتماعی حساس شده و با تعبیر آن در قالب‌های سیاسی و در نتیجه به‌واسطه در خطر دیدن موجودیت و بقای خود واکنش نشان داده است. اقدام اخیر این رژیم در لغو تابعیت آیت‌ا... عیسی قاسم نیز در همین راستا قابل درک و شناخت است. درواقع سیاست در نطفه خفه کردن هرگونه تحرک اجتماعی - سیاسی موجب شده است تا یک فضای بسته و به‌شدت خفقان‌آور بر این کشور حاکم گردد که به هیچ صدای غیر و مخالف یا حتی معترضی اجازه بروز و ظهور ندهد. در این

میان شیعیان و رهبران مذهبی آنان در کانون سیاست‌های مردم‌ستیزانه آل خلیفه قرار دارند زیرا نارضایتی فزاینده‌ای از رژیم حاکم دارند و این در حالی است که مبنای تمامی نارضایتی‌های مردمی در بحرین سیاست‌های سرکوبگرانه و متصلبانه هیئت حاکمه است. بر همین اساس است که آل خلیفه در اقدامی نامتعارف و ناقض حقوق اولیه انسانی دست به لغو تابعیت یک روحانی برجسته زد تا به زعم خود پایه‌های اعتراض و مخالفت مردمی را بخشکاند و از این رهگذر بقا و حیات خود را تأمین و تضمین کند.

۲-۱. همراهی با سیاست‌های ضدشیعی دولت عربستان

بحرین متحد سنتی عربستان سعودی در منطقه به‌شمار می‌آید و سیاست‌های آن همواره پیرو و تابع سیاست‌های ریاض بوده است. در واقع، بحرین از جمله کشورهایی است که بدون اعتراض، نقش فرادستی آل سعود و فرودستی خود را در معادلات و پویش‌های منطقه‌ای پذیرفته و یکجا و یکپارچه از سیاست‌های سعودی‌ها تبعیت کرده است. سیاست فعلی عربستان بر محور ضدیت با مردم این کشور و نیز مخالفت با ایران به‌منظور محدودسازی آن به‌ویژه بعد از برجام متمرکز است. از آنجا که بعد از تحولات بیداری اسلامی گروه‌های مذهبی در داخل کشورهای اسلامی به قدرت مانور قابل توجهی دست یافته‌اند، آل سعود از ناحیه اقلیت شیعه ساکن در سرزمین عربستان به‌شدت هراسان است و همواره خود را در معرض خطرات و تهدیدهای ناشی از جنبش‌های آزادیخواهانه آنان می‌بیند. از این‌رو، ضدیت با شیعیان و نابودسازی تحرکات آنان در سرلوحه سیاست‌های این کشور بوده و این واکنش را به سطح منطقه نیز تعمیم داده است. سعودی‌ها در هر نقطه‌ای از خلیج فارس، غرب آسیا و شمال آفریقا که احتمال قدرت‌یابی و به قدرت رسیدن



شیعیان را احساس کند وارد عمل شده و سعی در ایجاد ائتلاف ضدشیعی دارد. بر همین اساس هم دولت بحرین که عضو این ائتلاف شکننده ضدشیعی است، در ادامه و به تبعیت از سیاست محو بسیج شیعیان سیاست‌های انسدادی در داخل در پیش گرفته و با هرگونه خواسته بحق و مشروع مردم این کشور که اکثریت آنها را شیعیان تشکیل می‌دهند به گونه‌ای خشونت‌بار برخورد می‌کند. آل خلیفه به پیروی از آل سعود و در چارچوب سیاست سرکوب تمام‌عیار شیعیان به لغو تابعیت آیت‌ا... شیخ عیسی قاسم مبادرت کرد تا بدین ترتیب ادامه‌دهنده همان سیاستی باشد که سعودی‌ها هم در داخل در برابر شیعیان در پیش گرفته‌اند و هم در خارج، در سوریه و یمن، اتخاذ کرده‌اند.

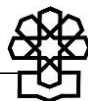
۳-۱. هراس از گسترش آموزه‌های مقاومت‌گرا

به خوبی روشن است که مقاومت و مقاومت‌گرایی در برابر ظلم و ستم از آموزه‌های اصلی آیین تشیع می‌باشد که تاکنون دستاوردها و ثمرات متعددی را در سطح منطقه به بار آورده است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران حکام محافظه‌کار منطقه از گسترش آموزه‌های انقلابی و مقاومتی شیعه هراسان شده و تمام تلاش خود را مصروف محدودسازی آن کرده‌اند. حمایت از حمله رژیم صدام به ایران و منطقه‌ای‌سازی و بین‌المللی‌سازی این جنگ به‌منظور به تسلیم واداشتن ایران از جمله تلاش‌های این کشورها در مقابله با ایران بوده است. هم اینک نیز که خودآگاهی و خودفهمی مردم منطقه بر مبانی آموزه‌های آزادیخواهانه اسلامی شکوفا شده و گسترش یافته است، تهدیدها به‌گونه‌ای آشکارتر و جدی‌تر نمود یافته‌اند. بر این اساس، مهمترین تهدید وجودی آل خلیفه در شرایط موجود هویت‌طلبی اکثریت مردم مقاوم این کشور است که از دیدگاه رژیم بحرین لاجرم می‌باید

مهار و نابود گردد، زیرا در صورت پیروزی این جریان، سایر جریان‌های مردمی نه تنها در بحرین که در سایر کشورهای منطقه از جمله در عربستان سعودی نیز به تحرک درآمده و منشأ اثر واقع می‌شوند.

۴-۱. واکنش به ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران

ایران طبق اذعان بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان یک قدرت مؤثر منطقه‌ای است که نقش تعیین‌کننده‌ای در پویاها و تحولات منطقه دارد. بر همین اساس است که برخی کشورهای منطقه که همواره رویکرد رقابت‌گرایانه در برابر ایران اتخاذ کرده‌اند، به گسترش دامنه قدرت مانور ایران در سطح منطقه واکنش نشان می‌دهند. تجربه نشان داده است هرگاه جایگاه و موقعیت منطقه‌ای ایران ارتقای بیشتری می‌یابد، حکام محافظه‌کار و در رأس آنها آل سعود و به تبع آن متحدینش مانند بحرین نیز به تشدید تنش‌ها با ایران روی می‌آورند تا از احراز جایگاه و منزلت واقعی این کشور ممانعت به عمل آورند. با به سرانجام رسیدن برجام و هراس این کشورها از بهبود موقعیت بین‌المللی ایران، آنها تلاش خود را مصروف محدودسازی موقعیت منطقه‌ای ایران نموده‌اند تا بدین طریق جایگاه جهانی آن را نیز به‌زعم خود تضعیف سازند. یکی از محمل‌های محدودسازی ایران اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه نسبت به حامیان گفتمان مقاومت در داخل سرزمین‌های عربی است. سرکوب گسترده هواداران این گفتمان در عربستان سعودی و در بحرین و اینک لغو تابعیت آیت‌ا... عیسی قاسم در این راستا قابل تحلیل است.



۲. پیامدهای ناشی از اقدام رژیم آل خلیفه

۱-۲. تشدید بحران مشروعیت آل خلیفه

متعاقب استقلال بحرین از ایران در سال ۱۹۷۱ مهمترین و اصلی‌ترین چالش خاندان حاکم آل خلیفه کسب مشروعیت سیاسی و تحکیم پایه‌های قدرت خود بوده است. در همین راستا این خاندان با انگیزه قانونی ساختن حاکمیت خود و تأمین مشروعیت سیاسی از طریق مشارکت مردم به تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات پارلمانی در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ روی آورد. اما دیری نپایید که با مخالفت پارلمان با تصویب «قانون امنیت دولتی» در سال ۱۹۷۵، امیر بحرین پارلمان را منحل کرد. براساس این قانون هرگونه اقدام یا موضعگیری علیه دولت، مخالفت با امنیت کشور تلقی می‌شد و حکومت اجازه داشت افراد مظنون را به سرعت بازداشت و بدون محاکمه زندانی کند. این ماجرا آغاز کشمکش‌های مردم و حاکمیت بود و برخوردهای طولانی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی را به دنبال داشت که دامنه آن به سال ۲۰۱۱ و پس از آن نیز کشیده شد. پس از خشونت‌های این سال و سرکوب معترضان توسط آل خلیفه، تظاهرات و اعتراضات مردمی گسترده‌تر شد و بخش عمده‌ای از مردم به جمع انقلابیون پیوستند. علیرغم شکافی که میان گروه‌ها و احزاب مبارز رخ داد که برخی گزینه اصلاحات سیاسی و برخی گزینه سرنوشتی آل خلیفه را مدنظر داشتند، اما مبارزات همچنان ادامه یافته است. هیئت حاکمه بحرین همواره نظام سیاسی تحت حاکمیت خود را متضمن درجاتی از بی‌ثباتی و بحران مشروعیت می‌داند و با توجه به این حساسیت، خود را در قبال هرگونه تحرک و مطالبه و خواست اجتماعی - سیاسی آسیب‌پذیر می‌یابد. واکنش سرکوبگرانه این رژیم به‌ویژه در برابر شیعیان از همین حساسیت و آسیب‌پذیری نشئت می‌گیرد و این

درحالی است که این قبیل اقدامات نتیجه‌ای جز تشدید بحران مشروعیت سیاسی در پی نخواهد داشت. درواقع، آل خلیفه با اقداماتی نظیر لغو تابعیت آیت‌... عیسی قاسم به دنبال جلوگیری از تشدید بحران مشروعیت و حفظ پایه‌های لرزان حاکمیت خود می‌باشد، این در حالی است که سیاست‌های متخذه ناقض این غرض بوده و این رژیم را درگیر دور باطلی می‌کند که در نهایت هرگونه واکنش و سیاستی به تشدید بحران مشروعیت آن منجر می‌گردد.

۲-۲. تضعیف موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی دولت بحرین

دولت بحرین به‌واسطه مختصات تاریخی، سیاسی و اقتصادی خود همواره کشوری با سیاست منطقه‌ای تبعی و کنش‌پذیر بوده و از این‌رو، در سلسله‌مراتب قدرت منطقه‌ای جایگاه خود را در پیوند با عربستان سعودی به‌عنوان برادر بزرگ‌تر جستجو کرده است. بنابراین، موقعیت آن همواره در معرض آسیب‌پذیری بوده است و به‌ویژه در سال‌های اخیر به‌شدت تحت تأثیر تحولات جامعه و سیاست داخلی آن قرار داشته است. امروزه برخورداری از پایگاه مردمی از شرایط و لوازم منزلت کشورها در حوزه‌های فراملی است و این در حالی است که هیئت حاکمه بحرین طی این سال‌ها با اتخاذ سیاست‌های ملت‌ستیزانه و با تعمیق شکاف میان خود و جامعه به تنزل شأن و منزلت این کشور کمک رسانده است. بر این مبنا، اقدام غیرانسانی آل خلیفه علیه آیت‌... عیسی قاسم با نشان دادن چهره غیرمردمی و ضدانسانی هیئت حاکمه به تضعیف هر چه بیشتر موقعیت این کشور در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شده است. علی‌الخصوص اگر توجه نماییم که این اقدام ناقض اصول اولیه حقوق بشر می‌باشد. کما اینکه سازمان دیده‌بان حقوق بشر با تقبیح اقدام حکومت بحرین و با یادآوری ماده (۲۹) منشور عربی حقوق بشر، که بحرین



آن را امضا کرده، اعلام کرده است که طبق این منشور هر فردی حق ملیت دارد و هیچ شهروندی را نباید بدون دلیل معتبر قانونی سلب تابعیت کرد.

۲-۳. افزایش احتمال شکل‌گیری مقاومت مسلحانه مردمی

مخالفان در بحرین خواستار اصلاحات سیاسی اساسی در حکومت بحرین می‌باشند. درخواست مخالفان در بحرین، افزایش اختیارات پارلمان، اصلاح سیستم انتخابات پارلمانی، تشکیل کابینه به‌وسیله اکثریت پیروز در انتخابات پارلمانی و توقف فعالیت‌های حکومت بحرین برای تغییر بافت جمعیتی این کشور و نسبت شیعیان به اهل سنت است. مخالفان می‌گویند دولت بحرین از طریق لغو تابعیت شهروندان شیعه بحرینی و اعطای تابعیت بحرین به شهروندان سنی‌مذهب دیگر کشورها از جمله پاکستان، اردن و عربستان سعودی به دنبال کاهش جمعیت شیعیان و افزایش جمعیت اهل سنت بحرین است. در مقابل، به‌جای پاسخگویی مقتضی و مناسب، تمامی هم و غم آل خلیفه نیز این بوده که ظرفیت‌های نارضایتی و اعتراضات مردمی را با فشار و سرکوب از بین برده و ثبات ظاهری در این کشور برقرار سازد. این در حالی است که هرگونه سیاست ارباب و خشونت نتیجه عکس داده و زمینه‌های فعال‌سازی هر چه سریع‌تر بی‌ثباتی را فراهم می‌آورد. تاریخ تحولات منطقه نشان داده است که ملت‌ها ابتدا براساس مشی مسالمت‌آمیز به طرح مطالبات و خواست‌های خود می‌پردازند، اما چنانچه هیئت حاکمه در پاسخ شدت عمل به خرج داده و ضمن بی‌پاسخ نهادن خواست‌ها، به سرکوب خشونت‌بار متوسل شود، مشی مبارزاتی مسالمت‌آمیز جای خود را به مشی مبارزاتی مسلحانه می‌دهد. بنابراین، اقدام اخیر آل خلیفه در سلب تابعیت از فردی که با منش مسالمت‌آمیز سعی در اصلاح امور

این کشور داشته است می‌تواند ناامیدی از پیگیری شیوه‌های مسالمت‌آمیز مقاومت را نزد مردم بحرین به همراه داشته و باعث روی آوردن مخالفان به شیوه‌های مسلحانه در برابر رژیم آل خلیفه گردد.

۲-۴. دامن زدن به شکاف‌های فرقه‌ای

بحرین کشوری است با اقلیت سنی و اکثریت شیعه که از زمان استقلال تا به امروز شاهد حکومت استبدادی اقلیت بر اکثریت بوده است. افزون بر این منطقه‌ای که این کشور در آن واقع شده، نیز براساس مشخصه تقسیم‌بندی‌های مذهبی با محوریت اسلام تعریف می‌گردد. حال اتخاذ هرگونه سیاستی که به سرکوب یکی از گرایش‌های مذهبی با هر دستاویز و بهانه‌ای منجر شود، بی‌شک تفاوت‌ها و اختلافات مذهبی را تبدیل به اختلافات فرقه‌ای می‌سازد. وجود تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی پدیده‌ای طبیعی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود، اما دامن زدن و تمرکز بیش از حد بر این تفاوت‌ها آنها را تبدیل به اختلاف مذهبی کرده و در یک فرآیند تصاعدی و در سطحی بالاتر و شدیدتر آن را تبدیل به اختلاف و شکاف فرقه‌ای می‌کند. این شکاف‌ها از آنجا که با هویت و حس هویت‌خواهی گره خورده است، در صورت بروز و شیوع به‌سادگی قابل رفع و رجوع نمی‌باشد. اقدام اخیر دولت بحرین در لغو تابعیت آیت‌ا... عیسی قاسم نتیجه‌ای جز تشدید این شکاف‌ها هم در داخل این کشور و هم در سطح منطقه نخواهد داشت. این نتیجه منافع جمعی کشورهای منطقه را به خطر افکنده و صرفاً تأمین‌کننده منافع بازیگران فرامنطقه‌ای است که مطابق سیاست کهنه تفرقه بینداز و حکومت کن عمل می‌کنند.

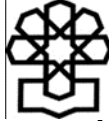


۲-۵. تعمیق گسست‌های منطقه‌ای

خلیج فارس همواره درگیر رقابت و جدال میان بازیگران منطقه‌ای به سرکردگی عربستان سعودی و صف‌آرایی آنها عمدتاً در برابر ایران بوده است. این منطقه همواره از وجود یک ساختار معیوب رنج برده و نابسامانی‌های فراوانی را تجربه کرده است. قطبیت ناشی از رقابت در خلیج فارس که محصول سیاست‌های نابخردانه آل سعود و متحدان آن در منطقه است تحت تأثیر سیاست‌های اختلاف‌انگیز این کشورها از شکل و ماهیت چالش‌برانگیزتری برخوردار شده است. صف‌بندی و آرایش کشورهای منطقه حاکی از آن است که آنها تحت تأثیر منافع شخصی اعم از منافع مادی و هویتی و بدون توجه به منافع جمعی منطقه مواضع خود را تنظیم کرده و در حمایت از یک کشور در برابر کشوری دیگر پافشاری می‌کنند. اقدام اخیر دولت بحرین در لغو تابعیت آیت‌ا... عیسی قاسم و حمایت برخی از کشورها مانند عربستان و مصر از این اقدام بر شدت و عمق گسست‌های منطقه‌ای می‌افزاید. عربستان که از سال‌ها قبل، بعد از تجاوز رژیم بعثی به ایران با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس سعی در نهادینه‌سازی و ساختارمند کردن ضدیت با ایران داشت، بانی اصلی این شکاف‌ها و گسست‌های منطقه‌ای به‌شمار می‌آید. اینک نیز این کشور با حمایت از سیاست‌ها و مواضع نابخردانه متحدان منطقه‌ای خود مانند بحرین و اقدام اخیر آن در قبال یک رهبر روحانی این گسست را عمق بیشتری می‌بخشد. این در حالی است که جهان اسلام امروزه بیش از هر چیز و بیش از هر زمان دیگری به اتحاد و انسجام نیاز دارد تا در پرتو آن بتواند مسائل و مشکلات اساسی خود را به سامان برساند.

نتیجه‌گیری

برآیند نوشتار حاضر آن است که آل خلیفه در بحرین به‌منظور رها ساختن خود از دغدغه دیرینه بی‌ثباتی و بحران مشروعیت و تضمین بقای سیاسی متزلزل خود از یکسو و تأمین خواست‌های آل سعود در ضدیت با ایران به‌منظور محدودسازی هرچه بیشتر کشورمان، بر تداوم سیاست ضد مردمی خود پای می‌فشرد. در ادامه این سیاست است که هیئت حاکمه بحرین در اقدامی غیرمتعارف و ضدبشری دست به لغو تابعیت آیت‌ا... عیسی قاسم زد تا از این طریق مخالفان این کشور را سرکوب و مهار کند. به‌ویژه از سال ۲۰۱۱ و آغاز قیام مردمی در بحرین، آل خلیفه تحت هدایت آل سعود راه سرکوب و خشونت تمام‌عیار را در قبال اکثریت جامعه در پیش گرفته است. این رژیم از اتخاذ سیاست‌های متصلبانه هم اهداف داخلی و هم اهداف منطقه‌ای را دنبال می‌کند. این درحالی است که منطقه درگیر تعارضات و تضادهای چندسطحی و چندوجهی است و صف‌آرایی‌های منطقه‌ای به‌ویژه با محوریت عربستان در برابر ایران در حال شدت گرفتن است. کلام آخر اینکه اقدام ضدانسانی آل خلیفه درحالی صورت گرفته است که کشورهای غربی حامی این رژیم که سودا و دعوی حمایت از حقوق بشر را دارند بجز برخی موضع‌گیری‌های ملایم اقدام عملی مؤثری برای متوقف ساختن سیاست‌های ضدبشری دولت بحرین به‌عمل نمی‌آورند و همین امر اعتبار و اصالت ادعاهای این کشورها در معرفی خود به‌عنوان حامیان حقوق بشر در جهان را بیش از پیش از بین می‌برد.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۴۹۰۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: عوامل و پیامدهای اقدام رژیم آل خلیفه در لغو تابعیت آیتا... عیسی قاسم

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: فاطمه سلیمانی

ناظر علمی: مهدی امیری

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —



واژه‌های کلیدی:

۱. آیتا... عیسی قاسم

۲. بحرین

۳. آل خلیفه

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۴/۹